



گرداب سکندر



هانیه وهابی

این داستان آموزنده و جذاب روایت زندگی خانواده‌ای است که در نزدیکی تنگه‌ی هرمز زندگی می‌کنند. آن‌ها بسیار فقیرند و ماهیگیری پدر کفاف مخارج زندگی‌شان را نمی‌دهد. برای همین، عبدا... که پسر ارشد خانواده است سعی دارد با کار در کشتی، به خانواده‌ی خود در تأمین مخارج زندگی کمک کند.

داستان به اینجا ختم نمی‌شود. با شیوع بیماری آبله، عبدا... پدر خود را از دست می‌دهد و خود نیز نابینا می‌شود. این اتفاق عبدا... را خانه‌نشین می‌کند اما فقر خانواده‌اش سبب می‌شود او بفهمد نباید دست از تلاش بردارد و باید به زندگی خود باید ادامه دهد.

عبدا... یقین دارد که می‌تواند پیشرفت کند. برای همین تصمیم می‌گیرد اوقاتش را به بطالت نگذراند و سعی کند تا آنجا که ممکن است هر آنچه راجع به دریا باید بداند کشف کند و این پدیده‌ی اسرارآمیز را بهتر بشناسد. این تصمیم عبدا... سبب می‌شود کم‌کم رازی را کشف کند که مسیر زندگی‌اش را دگرگون می‌کند، رازی که شاید هیچ دریانوردی تا آن روز به آن پی نبرده بود، راز چشیدن آب دریا. عبدا... سعی می‌کند هر چند ساعت در زمان حرکت کشتی، آب دریا را بچشد و طعم آن را به خاطر بسپارد. تکرار پیایی این کار عبدا... نهایتاً سبب شد او در هر نقطه از جهان که باشد، با چشیدن آب دریا بتواند حدس بزند که کجاست. از این قصه‌ی پندآموز یک اثر سینمایی و یک مجموعه‌ی سیزده قسمتی عروسکی تولید شده است که بسیار جذاب و درخور توجه است.



گرداب سکندر

نویسنده: محمدرضا سرشار

ناشر: انتشارات سوره‌ی مهر، ۱۳۹۷